

# تفرقه و تنازع در ترازوی قرآن

سید احمد زرهانی

امروزه با نگاهی به نیم رخ جهان اسلام دو پدیده متضاد مشاهده می‌شود: یکی بارقه‌های دل‌انگیز بیداری اسلامی و احیای تفکر دینی و بازگشت به قرآن و سنت و ارزشهای اخلاقی که موجب بهجت و خوشوقتی اهل معرفت است و دیگری نشانه‌های آتش تفرقه و برادر کشی و انتحار و انفجارهای نامیمون که باعث نگرانی پویندگان راه امت واحده است. یکی از جنس نور و معطر و مزین به نسیم سیادت مسلمانان است و دیگری از سنخ ظلمات و ملوث به شادی متکبران و آمیخته با ناخرسندی موحدان است. چاره‌اندیشی برای عبور از این پارادوکس تاریخی و وظیفه همه اسلام‌شناسان و مصلحان و متفکرانی است که آرزوی حیات طیبه برای مسلمانان دارند و به حاکمیت عدالت، توحید، اخوت و مروّت می‌اندیشند. شکی نیست که استکبار جهانی با سنگین‌تر کردن کفه دوم این ترازو، می‌خواهد کفه اول را از هویت دینی تهی کند و راه اسلام‌خواهی را بی‌سرانجام نشان دهد. از دشمنان جهان اسلام انتظار دو حسی عبث است، اما توقع دوستی از برادران دینی بیجا نیست؛ زیرا آنان به اصالت «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُؤْلُونَ»<sup>۱</sup> یقین دارند و در انتظار پاسخگویی در روز شمارند.

راستی چرا دنیای اسلام در گوشه و کنار شاهد تنازع است؟ آیا کسانی که خود را آویخته بحبل الله می‌دانند و تمسک به عروة الوثقی کرده‌اند، حق دارند به جان هم بیفتند و اسباب هدم همدیگر را فراهم آورند؟ عقلای جهان اسلام برای ایجاد آرامش چه تدبیری دارند؟ راه نجات کدام است و چه باید کرد؟ راه برون‌رفت از این تضاد بازگشت به قرآن است. قرآن کلید حل هر مشکلی است و تا مسلمانان به گرد این خورشید عالمتاب نگردند از سرمای جمود و تعصب رها نمی‌شوند.

قرآن محور اتحاد را یکتا پرستی می‌داند و حتی اهل کتاب را به تمرکز بر توحید و مشترکات دینی فرامی‌خواند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>. وقتی قدر مشترک همه ادیان الهی توحید باشد، به طور طبیعی و به طریق اولی همه فرق اسلامی باید بر گرد محور

۱. صافات، ۲۴.

۲. آل عمران، ۶۴.





یکتاپرستی اجتماع کنند و دست از تعصبات و تندروها و خودبینیها بردارند و سازوکار مناسبی برای حفظ قدرت موحدان عالم طراحی و تنظیم کنند. سیاست شیطنی استکبار جهانی از دیرباز روشن کردن آتش شرق علیه شرق و برنامه‌ریزی برای سرکوب مسلمانان به وسیله همدیگر و ترویج تنازع و هدم حرث و نسل مسلمانان با استفاده از حربه تفرقه است. در حالی که قرآن مجید با صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup> در ترازوی سنت الهی هر چه کفه تفرقه سنگین‌تر شود به همان اندازه کفه عذاب عظیم وزین‌تر می‌گردد. سؤال اساسی از عقلای جهان اسلام این است که «اگر دشمن بذر تفرقه می‌کارد، ما چرا کاشته او را درو می‌کنیم؟» آیا سرانجام این حرکت نابجا سعادت دنیوی و پاداش اخروی است و یا بازگشت به «إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً»<sup>۴</sup> و سقوط به ورطه «عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ»<sup>۵</sup> می‌باشد؟ استکبار جهانی با دامن زدن مستقیم و غیر مستقیم به اختلافات مسلمانان در صدد بی‌روزی رساندن یک طیف از مسلمانان نیست، بلکه در صدد از میان بردن جریانهایی است که آنان را تندرو و افراطی می‌داند و با ترفندهای مختلف زمینه درگیری مسلحانه در جهان اسلام را فراهم می‌کند و آنان را به جان هم می‌اندازد. متأسفانه برخی از مسلمانان ناخودآگاه در چهارچوب این ترفند استعماری، به جای آنکه از قدرت نظامی و تسلیحاتی خود بر مبنای «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ»<sup>۶</sup> دشمنان خدا را بترسانند، رعب و وحشت در دل همکیشان خود به وجود می‌آورند و استکبار جهانی را شادکام می‌کنند. افسوس که عده‌ای سکوت را در پیش گرفته‌اند و از نفوذ کلام خود برای اصلاح ذات بین استفاده نمی‌کنند و با هدم بنای سعادت و آرامش مسلمانان مخالفت به عمل نمی‌آورند. شگفتا که دشمن مرموز هم به اختلافات دامن می‌زند و هم مخالفان استکبار جهانی را باهم درگیر می‌کند.

علت اصلی این بحرانها فاصله گرفتن ما از مفاهیم قرآن و آموزه‌های مکتب وحی است. قرآن مجید روش دعوت به مسلمانی را چنین تعریف می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»<sup>۷</sup> وقتی از دیدگاه اسلام، اساس گفتگو بر سه اصل حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن قرار دارد، چرا باید فرق اسلامی باهم قهر کنند و همدیگر را آماج تیر تهمت و تنفر قرار دهند؟ یکی از مصادیق بارز کفر نعمت، قدر نشناسی از بصائر قرآنی است که منجر به سلب نعمت و افزایش نعمت می‌گردد.

خدواند حکیم می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۸</sup> هرگاه عده‌ای خود را در مهلکه تعصبات و سوءظنها و جهالتها بیندازند، نباید متوقع استمرار نعمتهای الهی باشند، هرچند به ظواهر دین پابندی نشان دهند و خود را مسلمان به حساب آورند. در ترازوی سنت الهی، افول و عروج امتها طبق موازین

۳. آل عمران، ۱۰۵.

۴. آل عمران، ۱۰۳.

۵. آل عمران، ۱۰۳.

۶. انفال، ۶۰.

۷. نحل، ۱۲۵.

۸. انفال، ۵۳.



روشنی اتفاق می‌افتد و ایمان و عمل صالح، ملاک نجات از آتش دنیا و آخرت است. در فرهنگ قرآن جامعه اسلامی همان امت واحده است «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»<sup>۹</sup> ولی بعضاً ما به سمت تشعب، تحزب و تعصب گام برمی‌داریم و توقع نزول رحمت الهی را در سر می‌برورائیم، در حالی که آیات الهی را می‌خوانیم و به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنیم. طبعاً هر گروهی به آنچه از ما نزد خود دارد، خشنود و به تعبیر قرآن مجید «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»<sup>۱۰</sup> است. قرآن مجید مدافع گفتگوی خردمندانه مسلمانان با همدیگر است و می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۱۱</sup> به نیکی روشن است که در فرهنگ وحی شنیدن سخن و انتخاب برترین آن، نشانه هدایت یافتگی و خردپیشگی است و بندگان خدا از چنین وجاهتی برخوردارند و با گوش شنوا و خرد بیدار به ارزیابی و گزینش می‌پردازند. تعمیم این فرهنگ در جوامع مسلمان پشستوانه‌ای متین برای کاهش تنازع و تهاجم علیه همدیگر و ظرفیتی امیدآفرین برای دستیابی به تفاهم و تعامل است. از شگردهای بارز استعمار این است که مسلمانان حرف همدیگر را نشنوند و از راه دور به هم تهمت بزنند و با یکدیگر به نزاع بپردازند. انقلاب اسلامی از همان آغاز پرچم‌دار اتحاد مسلمانان بوده است.

امام خمینی (ره) فرموده است: «برنامه ما که برنامه اسلام است؛ وحدت کلمه مسلمین است. اتحاد ممالک اسلامی است. برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم. هم‌بیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان». این ندا با فطرت مسلمانان سازگار است و امروز هم مقام معظم رهبری (مدظله العالی) منادی این سخن می‌باشد و مسلمانان را به وحدت در برابر استکبار جهانی و تمسک بحبل اله فرامی‌خواند، ولی شیطان بزرگ با ایجاد همه‌تلاش می‌کند این صدای برحق را خاموش کند و یا آن را معکوس جلوه‌گر سازد و حق گفتگوی عالمانه را از مسلمانان سلب کند. در جای جای جهان اسلام، مصلحان دینی اعم از شیعه و سنی، مدافع فرهنگ گفتگو و مفاهمه در بین مسلمانان هستند و آتش افروزی را تجویز نمی‌کنند و به عظمت امت واحده در پرتو اخوت دینی می‌اندیشند، ولی ایادی استعمار دست‌بردار نیستند و به اختلافات و منازعات دامن می‌زنند و با بهره‌گیری از رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاع رسانی و ابزارهای مدرن، فضا را مکدر می‌کنند.

تفرقه در تفکر قرآنی، پدیده‌ای در حد بلای آسمانی و یا فاجعه زمینی است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يُبْسِكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»<sup>۱۲</sup> شگفتا در این آیه شریفه تبدیل شدن جامعه به گروه‌های متفرق و مختلف و آسیب‌رسان به همدیگر در ردیف عذاب آسمانی و زمینی آمده است و قرآن چنین سخن حکیمانه‌ای را برای این هدف ذکر می‌کند تا اسباب تفقه بندگان را فراهم آورد و آنان را از خطر هولناک تفرقه آگاه سازد.

۹. انبیاء، ۹۲.

۱۰. مؤمنون، ۵۳.

۱۱. زمر، ۱۷ و ۱۸.

۱۲. انعام، ۶۵.



راه برون‌رفت امت از این گرداب تنازع، تمکین همگانی در برابر امر و نهی خداوند دانا و تواناست. خداوند با صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۱۳</sup>. شواهد نشان می‌دهد که در جاهایی که مسلمانان بر اثر افراط و تفریط در آتش تنازع افتاده‌اند، دستاوردی غیر از سستی و ضایع شدن وجاهت، آبرو و عظمت خود نداشته و تأسف‌هایی بر اوضاع اسفناک خود افزوده‌اند. این رویکرد ناهنجار هیچ تناسبی با این سخن الهی ندارد که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»<sup>۱۴</sup> و حاکی از غفلت اهل تنازع از موازین مسلمانی است. به هر حال صراط مستقیم را رها کردن و به سبیل متفرقه روی آوردن، عایدی جز هرج و مرج و آشفتنگی ندارد و عزت و سربلندی به ارمغان نمی‌آورد. خداوند حکیم می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»<sup>۱۵</sup>. روشن است که استقرار در خط تنازع در تضاد با صراط مستقیم الهی است و خسارت‌بار و بدسرانجام است. خروج از گردنه تفرق و اختلاف تنها در پرتو هدایت الهی میسر است. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ. إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ»<sup>۱۶</sup>. به راستی کسانی مشمول رحمت الهی قرار می‌گیرند و در دامن اختلافات نفسانی ساقط نمی‌شوند که بیشترین بهره را از هدایت الهی برده‌اند و آهنگ حیات طیبه آنان صبغه الهی دارد. تا نفس اماره سلسله‌جنبان تصمیم‌سازها و کنشها و واکنشهاست، دود اختلافات فضا را تیره می‌سازد و راه تعالی و تکامل را می‌بندد. این گروه از پاک‌طینتان به نیکی می‌دانند که متعلق بودن به شریعت محمدی (ص) مستلزم اجتناب از تفرقه‌گرایی در دین است و چشم دلشان از نور این آیه شریفه روشن است که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ»<sup>۱۷</sup>. معقول نیست که فردی یا جریانی هم در آتش تفرقه بدمد و هم خود را در رکاب حضرت ختمی مرتبت (ص) قلمداد کند. این تضاد معرف اخلاص در مسلمانی نیست و سرانجام خوشایندی در دنیا و آخرت ندارد. در اندیشه قرآنی راه برون‌رفت از مهلکه تنازع، مراجعه به خدا و پیغمبر و استمداد از قرآن و سنت است. کسانی که بدون تأمل به جای خدا و پیغمبر به طور یک‌جانبه راهکارهای زمینی کم‌ارزش برای رفع منازعات ارائه می‌دهند، راه به جایی نمی‌برند و دردی بر دردها می‌افزایند. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»<sup>۱۸</sup>. با تفکر در این آیات می‌توان در تدوین فقه سیاسی امت واحده همت گماشت.

۱۳. انفال، ۴۶.

۱۴. بقره، ۱۴۳.

۱۵. انعام، ۱۵۳.

۱۶. هود، ۱۱۸ و ۱۱۹.

۱۷. انعام، ۱۵۹.

۱۸. نساء، ۵۹.